

نگاره

مجلس دوازدهم و آینده کشاورزی ایران



منصورانصاری

روزنامهنگار

در این نشست که تأثیر سیاست‌های مجلس دوازدهم را بر تجربه و تحلیل کمی نمایندگانی که در انتخابات اخیر به مجلس راه یافته‌اند یا ممکن است در اردیبهشت‌ماه رای‌بند، در وضعیت کشاورزی کشور و سیاست‌های کلی آن ازبانی با پیش‌بینی کنم، زیر مجلس دوازدهم فردمحور نیست، یعنی نمایندگان رایافته در وجه غالب، عمدتاً شاخصی با نقش‌های مستقل و یا صاحب‌نظر در این یا آن عرصه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی یا بعضاً اقتصاد سیاسی کشور نیستند که بگویم یا این را ترکیب یا با فایان و بهمان تعداد شاخصی در خود-بخش کشاورزی می‌توان گفت کمیسون کشاورزی مجلس آینده در این یا آن حد می‌تواند در کشاورزی مملکت تأثیرگذار باشد یا این یا آن اندازه دالت می‌کند یا نمی‌کند.

یکی از ویژگی‌ها و واقعیت‌های جریان مجلسی که در آینده نزدیک تشکیل خواهد شد، بهم بدیم با موضوع انتخابات را از ابتدا مورد تحلیل قرار بدیمیم و قدری به تاریخچه آن بازگردیم که

مجلس اندیلوزی‌محور است، نمایندگان آن مجلس با تعداد نمایندگانی

که تاکنون امکان راهایی به آن رایافته‌اند، در عرصه هستند یا استنباط خاصی نوعی اندیلوزی‌جهان‌شمولی را نه تنها در داخل کشور یا منطقه بلکه در

اقصی نقاط جهان دنبال کنند، بنابراین در سایه تلاش برای تحقق این آرمان

مجلس‌شمول، موضوعات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی در عرصه داخلی و

بین‌المللی تعبیر می‌شوند و معنی، مفهوم و جایگاه خود را پیدا می‌کنند. اینکه

نمایان این اندیشه در مجلس بتوانند آنچه به کمک خود برای خوشحیثی

مسلمانان در تمام دنیا رزوی می‌کنند، محقق کنند یا نتوانند به آن دست یابند یا

اصولاً چنین آرمان‌هایی در عرصه واقع‌الهی سیاسی تغییرپذیرند یا نه، یعنی

است جدا ولی حتماً اندیلوزگانه‌ای در تمام محصولات کشاورزی که در آن هست

که چنین کنند.

دومین ویژگی مسوئولان از دید تمام مشروعیت خود را از این مردم بگیرند، یعنی مردم نقش‌آفرین اصلی

باشند. این فلسفه انقلاب بود.

آشنایی مردم با پرسید که در انقلاب، «شیه‌موساکی» است یا دقیقاً «شیه‌انتخابات»؟

که اکثرین رای به مجلس رای یافته‌اند، مصمم هستند برای نمایندگانی را که مانند

کثرتن فکر کنند که نتکند، به سبوی آرمان‌های خود هدایت کنند، به هر حال

این دو ویژگی برآمده از تحلیل ترکیب چهره‌های برجسته مجلس دوازدهم

به موضوعات عمده کشور کشید، در درجه اول از تحلیل کمی احاد

نمایندگانی به عنوان شاخصی تعیین‌کننده در سیاست‌گذاری و تصویب قوانین

فاضله می‌گیریم و دوم، در اقتصاد سیاسی کشاورزی به عنوان جزئی از اقتصاد

کامل کشور یا نوع ترکیشی متفاوت از آنچه قبلاً بوده است، مواجهه

شد. کشور را از جنبه‌های کلی مجلس دوازدهم آرای صددرد و یی‌چون‌چواری

خوشگلی و نه ازباید خودکامی در تمام محصولات کشاورزی که در آن

را به هر شکل و یا هر قیمت و به هر میزان برداشت از منابع آب و خاک خواستار

است.

این نگرش بدون توجه به وجود زیرساخت‌های تکنولوژیکی اعم از واردات

بدون اقتصادمده مقاوم در مقابل کمپانی با شرایط بیم و بشوشری سواحل تا

بادر استان ایلام و چین یا دام‌های نوزوسیکی که اغلب منشأ مغربی به ویژه آمریکایی،

کاندانی و اروپایی دارند، همچنین یک به ساحت داخل جبهیزات و ماشین‌های

کشاورزی با هر کیفیت و میزان تیرکاری‌دار در عراض به‌بهوری و فراتر از آن در

عرصه صنعت مغربی که بر این بایل کنار در فرایض خود کوشتی و تلاش برای

ایجاد نوعی از اقتصاد کشاورزی به جای ترازوهای مروج و وارثی مانند «ایران‌های»

و بر آن است که یک کشاورزی غریبانه به مخرج و تازیردهی در آن درآوردگاری

بدون توجه به واقعیات موجود در دستور کار وزارت جهات کشاورزی برای تمام

مجلس به اتمام گسری خود دوازدهم در دو سال اول چنین شری برای نماین

در ستمت و سبب‌وری واردات در تجارت بین‌المللی تیرنگار و از رهائی وطنی

را متوجه سیاست‌های جهانی و آمریکائی کند، پس اینکه در ترکیب کمیسون

کشاورزی چه کرد از اثربش و سازنده و در آن تغییر در مسیر کشاورزی کشور

علمی خود یک تازنجیر قیاس حالت است و اینکه بگویم یک مسیر کشاورزی

کشاورزی که در تمام کشورهای آحادی این نمایندگانی در کشاورزی در مسیر توسعه پایدار

و وضعیت مطلوب و آیدمانی آمیبدخیز در کشاورزی رهنمون کند، بسیار دور از

واقعیت است زیرا در چنین مجلسی اندیشه‌های واقع‌گرایانه علمی در جهت

پیشرفت و تصویب قوانین مدافع کشاورزی و مصالح ملی عاج، رنگ می‌یازد.

اگر چنین مجلسی تشکیل شود و تمام باید یا نه، دفاع علمی از وضعیت

کشاورزان و مسائل کشاورزی را بر عهده چنین جایی نازد، بی‌فایده آمران‌ایبانه

خاصی به آن اشاره در نمایندگانی غیراندیلوزیگی مجلس را به گونه‌ای با

شهارهای برجیده مرعوب خواهد کرد که توانایی خود برای پیشبرد ایده‌های

غیراندیلوزیگ وسوسه‌دار را بروز نخواهند نمود.

این مجلس به سبب اینکه قیام گیرد، به لحاظ تشکیلاتی، نه نفوذ در

ساختار و میدان مسئولان در دولت از جمله وزارت جهات کشاورزی، به تغییر

یا جایگزینی این یا آن مدرکن در سطوح وزارتخانه دفاع نخواهد شد.

امری که در مجلس پیشین همواره در مکتوبات استنادی یا سازمان‌های جهات

کشاورزی، سازمان تعاون روستایی یا مدیران ادارات کل تعیین‌کننده در استان‌ها

متداول و مرسوم بود، حالا تا سطح معاونان وزارتخانه خواهد بود. حتی

کار لازم باشد موضوع تغییر برخی که نخواهد مسئولان باشد حتی در یک سال و

نیم بهمان یا کار دولت شش‌ماهه منجمت است.

این موضوع به خود در جهت چهره‌های انتحابی‌پزیر است. این مجلس

به شدت با سیاست‌های اقتصادی جهانی همانند عضویت در افرای‌افاتی

(FAFE) و کمیسون‌های وابسته به آن همچون پاپو، و... مثالبه خواهد کرد. در

و علاقایی و افزایش دولت سیزدهم و دولت بعدی و برتر جهانی به فرایند

منابع و افزایش راندمان تولید که به کمک اندیلوزگانه مجلس دوازدهم در

وابستگی به غرب در آن خواهد بود، نزدیک نمود.

در یک کلام، مجلس این‌گسری پیشرو اگر تواند آن را خواهد بود که

کشاورزی کشور را در جهت چهره‌های انتحابی‌پزیر از تمام تقدمات جدید افرون کند

بنابراین کمیسون‌های این مجلس هر ترکیبی که در مملکت می‌تواند نتواند

تعیین‌کننده در تعیین راهبردی و گرایانه در مملکت و همراهی با وزارت

جهات کشاورزی برای مدرنیزکردن کشاورزی و توسعه پایدار آن داشته باشد

کشاورزی را پیش از پیش به عنوان ابزاری سیاسی می‌نگرد و از واقعیت آنچه

هست و باید بشود، دور می‌ماند.

عبدالرحمن فتح‌اللهی

با توجه به خروجی انتخابات ۱۱ اسفند به نظر می‌رسد که همچنان آسیب‌شناسی فضای سیاسی و تأثیر این انتخابات بر تشکیلی و کنش‌پزوری احزاب و جریان‌های سیاسی ضرورت دارد. از این رو در گفت‌وگویی با الیس حضرتی برآیند یک دیدگاه او در خصوص نتایج این انتخابات جویا شویم. دبیرکل حزب اعتماد ملی در یک آسیب‌شناسی از فضای سیاسی و انتخاباتی کشور به تحلیل نظام حزبی و ساختار احزاب در کشور پرداخت و در کنار آن تأکید دارد که توجه به افکار عمومی از الزامات برگزاری انتخاباتی دموکراتیک است. آنچه در ادامه می‌خوانید بخش نخست از گفت‌وگوست صریح یا این نماینده ادوار مجلس است.

- جناب حضرتی می‌خواهم محور مصاحبه را روی اختلاف و حتی مواج‌های که با خواشن سیاسی و فرهنگی‌های و کسانی مانند شما نمایل به مشارکت در انتخابات داشته‌اند، قرار بدهم. چرا که روند مشارکت جویی در شرایط کنونی از پیش مشخص بود که آن خواه نموداخت. اما پیش از آن سعی دارم به واکاوی فضای سیاسی کشور بپردازم که چند سالی است مختصات آن دامن کشندگان و احزاب را گرفته و در انتخابات اسفند ماه هم بروز و ظهور پزیرگشتری از قبل داشت. از یک سو شما و احزاب ملی، حزب ندای ایرانیان، کارگزاران، متحدان، نوپنجت و اتحادل و توسعه... و در انتقاد به طیف متنفذ به انتخابات تأکید داشتید و دارید که کارگران و صندوق رای و صندوق رای و مشارکت سیاسی خود ندارد و غیر از آن، به کنار شما منجر خواهد شد. طیف مقابل در پاسخ به پارادایم فکری کسانی چون شما اعتقاد داشتند و دارند اگر مشارکت راحل باشد، نتیجه ۲۵ سال حضور در انتخابات در سال ۱۴۰۲ که بوده است، لذا به نظر من این که دوبار پارادایم فکری (مشروط بر آنکه این دو قراتت سیاسی را پارادایم بخوانیم)، نتوانستند هم‌دیگر را قانع کنند از این رو فضای سیاسی اجتماعی کشور در نوعی بی‌سست قرار گرفته است. آیا این‌ها حضرنی قاتل به نیست و با حتی انسداد هست و اگر چنین است، راه‌طمان برای خروج و عبور از این بی‌سست چیست؟**

به مصاحبه ا رتد و در عین حال از سر شروع کردید. برای اینکه بتوانم به این سوالات پاسخ بقیتر و بهتر

بشود، ابتدا سعی می‌کنم در ظاهر انتخاباتی انجام می‌دهم و در پشت پرده کسانی که می‌خواستند را به کار

به‌شود. انتخابات یعنی در ظاهر انتخاباتی انجام می‌دهم و در پشت پرده کسانی که می‌خواستند را به کار

می‌کنند و در این اقدامات نسبتاً خوبی فراهم شد. ولی دیری نپایید که این انتخابات تحت تأثیر یک

دولت متنفذ قرار گرفت و در نهایت انتخابات اتفاق به موضوع شد و کار به جایی رسید که مرحوم مدرس گفتند،

من که به خودم رای دادم، این را آن رای من چه شد؟ پس از آن فضای انتخابات به سستی رفت که شاهد

انتصاب افراد از طریق انتخابات بودیم.

به‌شود. انتخابات یعنی در ظاهر انتخاباتی انجام می‌دهم و در پشت پرده کسانی که می‌خواستند را به کار

می‌کنند و در این اقدامات نسبتاً خوبی فراهم شد. ولی دیری نپایید که این انتخابات تحت تأثیر یک

دولت متنفذ قرار گرفت و در نهایت انتخابات اتفاق به موضوع شد و کار به جایی رسید که مرحوم مدرس گفتند،

من که به خودم رای دادم، این را آن رای من چه شد؟ پس از آن فضای انتخابات به سستی رفت که شاهد

انتصاب افراد از طریق انتخابات بودیم.

به‌شود. انتخابات یعنی در ظاهر انتخاباتی انجام می‌دهم و در پشت پرده کسانی که می‌خواستند را به کار

می‌کنند و در این اقدامات نسبتاً خوبی فراهم شد. ولی دیری نپایید که این انتخابات تحت تأثیر یک

دولت متنفذ قرار گرفت و در نهایت انتخابات اتفاق به موضوع شد و کار به جایی رسید که مرحوم مدرس گفتند،

من که به خودم رای دادم، این را آن رای من چه شد؟ پس از آن فضای انتخابات به سستی رفت که شاهد

انتصاب افراد از طریق انتخابات بودیم.

به‌شود. انتخابات یعنی در ظاهر انتخاباتی انجام می‌دهم و در پشت پرده کسانی که می‌خواستند را به کار

می‌کنند و در این اقدامات نسبتاً خوبی فراهم شد. ولی دیری نپایید که این انتخابات تحت تأثیر یک

دولت متنفذ قرار گرفت و در نهایت انتخابات اتفاق به موضوع شد و کار به جایی رسید که مرحوم مدرس گفتند،

من که به خودم رای دادم، این را آن رای من چه شد؟ پس از آن فضای انتخابات به سستی رفت که شاهد

انتصاب افراد از طریق انتخابات بودیم.

به‌شود. انتخابات یعنی در ظاهر انتخاباتی انجام می‌دهم و در پشت پرده کسانی که می‌خواستند را به کار

می‌کنند و در این اقدامات نسبتاً خوبی فراهم شد. ولی دیری نپایید که این انتخابات تحت تأثیر یک

دولت متنفذ قرار گرفت و در نهایت انتخابات اتفاق به موضوع شد و کار به جایی رسید که مرحوم مدرس گفتند،

من که به خودم رای دادم، این را آن رای من چه شد؟ پس از آن فضای انتخابات به سستی رفت که شاهد

انتصاب افراد از طریق انتخابات بودیم.

به‌شود. انتخابات یعنی در ظاهر انتخاباتی انجام می‌دهم و در پشت پرده کسانی که می‌خواستند را به کار

می‌کنند و در این اقدامات نسبتاً خوبی فراهم شد. ولی دیری نپایید که این انتخابات تحت تأثیر یک

دولت متنفذ قرار گرفت و در نهایت انتخابات اتفاق به موضوع شد و کار به جایی رسید که مرحوم مدرس گفتند،

من که به خودم رای دادم، این را آن رای من چه شد؟ پس از آن فضای انتخابات به سستی رفت که شاهد

انتصاب افراد از طریق انتخابات بودیم.

به‌شود. انتخابات یعنی در ظاهر انتخاباتی انجام می‌دهم و در پشت پرده کسانی که می‌خواستند را به کار

می‌کنند و در این اقدامات نسبتاً خوبی فراهم شد. ولی دیری نپایید که این انتخابات تحت تأثیر یک

دولت متنفذ قرار گرفت و در نهایت انتخابات اتفاق به موضوع شد و کار به جایی رسید که مرحوم مدرس گفتند،

من که به خودم رای دادم، این را آن رای من چه شد؟ پس از آن فضای انتخابات به سستی رفت که شاهد

انتصاب افراد از طریق انتخابات بودیم.

به‌شود. انتخابات یعنی در ظاهر انتخاباتی انجام می‌دهم و در پشت پرده کسانی که می‌خواستند را به کار

می‌کنند و در این اقدامات نسبتاً خوبی فراهم شد. ولی دیری نپایید که این انتخابات تحت تأثیر یک

دولت متنفذ قرار گرفت و در نهایت انتخابات اتفاق به موضوع شد و کار به جایی رسید که مرحوم مدرس گفتند،

من که به خودم رای دادم، این را آن رای من چه شد؟ پس از آن فضای انتخابات به سستی رفت که شاهد

انتصاب افراد از طریق انتخابات بودیم.

به‌شود. انتخابات یعنی در ظاهر انتخاباتی انجام می‌دهم و در پشت پرده کسانی که می‌خواستند را به کار

می‌کنند و در این اقدامات نسبتاً خوبی فراهم شد. ولی دیری نپایید که این انتخابات تحت تأثیر یک

دولت متنفذ قرار گرفت و در نهایت انتخابات اتفاق به موضوع شد و کار به جایی رسید که مرحوم مدرس گفتند،

من که به خودم رای دادم، این را آن رای من چه شد؟ پس از آن فضای انتخابات به سستی رفت که شاهد

انتصاب افراد از طریق انتخابات بودیم.

به‌شود. انتخابات یعنی در ظاهر انتخاباتی انجام می‌دهم و در پشت پرده کسانی که می‌خواستند را به کار

می‌کنند و در این اقدامات نسبتاً خوبی فراهم شد. ولی دیری نپایید که این انتخابات تحت تأثیر یک

دولت متنفذ قرار گرفت و در نهایت انتخابات اتفاق به موضوع شد و کار به جایی رسید که مرحوم مدرس گفتند،

من که به خودم رای دادم، این را آن رای من چه شد؟ پس از آن فضای انتخابات به سستی رفت که شاهد

انتصاب افراد از طریق انتخابات بودیم.

به‌شود. انتخابات یعنی در ظاهر انتخاباتی انجام می‌دهم و در پشت پرده کسانی که می‌خواستند را به کار

می‌کنند و در این اقدامات نسبتاً خوبی فراهم شد. ولی دیری نپایید که این انتخابات تحت تأثیر یک

دولت متنفذ قرار گرفت و در نهایت انتخابات اتفاق به موضوع شد و کار به جایی رسید که مرحوم مدرس گفتند،

من که به خودم رای دادم، این را آن رای من چه شد؟ پس از آن فضای انتخابات به سستی رفت که شاهد

انتصاب افراد از طریق انتخابات بودیم.

به‌شود. انتخابات یعنی در ظاهر انتخاباتی انجام می‌دهم و در پشت پرده کسانی که می‌خواستند را به کار

می‌کنند و در این اقدامات نسبتاً خوبی فراهم شد. ولی دیری نپایید که این انتخابات تحت تأثیر یک

دولت متنفذ قرار گرفت و در نهایت انتخابات اتفاق به موضوع شد و کار به جایی رسید که مرحوم مدرس گفتند،

من که به خودم رای دادم، این را آن رای من چه شد؟ پس از آن فضای انتخابات به سستی رفت که شاهد

انتصاب افراد از طریق انتخابات بودیم.

به‌شود. انتخابات یعنی در ظاهر انتخاباتی انجام می‌دهم و در پشت پرده کسانی که می‌خواستند را به کار

می‌کنند و در این اقدامات نسبتاً خوبی فراهم شد. ولی دیری نپایید که این انتخابات تحت تأثیر یک

دولت متنفذ قرار گرفت و در نهایت انتخابات اتفاق به موضوع شد و کار به جایی رسید که مرحوم مدرس گفتند،

من که به خودم رای دادم، این را آن رای من چه شد؟ پس از آن فضای انتخابات به سستی رفت که شاهد

انتصاب افراد از طریق انتخابات بودیم.

به‌شود. انتخابات یعنی در ظاهر انتخاباتی انجام می‌دهم و در پشت پرده کسانی که می‌خواستند را به کار

می‌کنند و در این اقدامات نسبتاً خوبی فراهم شد. ولی دیری نپایید که این انتخابات تحت تأثیر یک

دولت متنفذ قرار گرفت و در نهایت انتخابات اتفاق به موضوع شد و کار به جایی رسید که مرحوم مدرس گفتند،

من که به خودم رای دادم، این را آن رای من چه شد؟ پس از آن فضای انتخابات به سستی رفت که شاهد

انتصاب افراد از طریق انتخابات بودیم.

به‌شود. انتخابات یعنی در ظاهر انتخاباتی انجام می‌دهم و در پشت پرده کسانی که می‌خواستند را به کار

می‌کنند و در این اقدامات نسبتاً خوبی فراهم شد. ولی دیری نپایید که این انتخابات تحت تأثیر یک

دولت متنفذ قرار گرفت و در نهایت انتخابات اتفاق به موضوع شد و کار به جایی رسید که مرحوم مدرس گفتند،

من که به خودم رای دادم، این را آن رای من چه شد؟ پس از آن فضای انتخابات به سستی رفت که شاهد

انتصاب افراد از طریق انتخابات بودیم.

به‌شود. انتخابات یعنی در ظاهر انتخاباتی انجام می‌دهم و در پشت پرده کسانی که می‌خواستند را به کار

می‌کنند و در این اقدامات نسبتاً خوبی فراهم شد. ولی دیری نپایید که این انتخابات تحت تأثیر یک

دولت متنفذ قرار گرفت و در نهایت انتخابات اتفاق به موضوع شد و کار به جایی رسید که مرحوم مدرس گفتند،

من که به خودم رای دادم، این را آن رای من چه شد؟ پس از آن فضای انتخابات به سستی رفت که شاهد

انتصاب افراد از طریق انتخابات بودیم.

به‌شود. انتخابات یعنی در ظاهر انتخاباتی انجام می‌دهم و در پشت پرده کسانی که می‌خواستند را به کار

می‌کنند و در این اقدامات نسبتاً خوبی فراهم شد. ولی دیری نپایید که این انتخابات تحت تأثیر یک

دولت متنفذ قرار گرفت و در نهایت انتخابات اتفاق به موضوع شد و کار به جایی رسید که مرحوم مدرس گفتند،

من که به خودم رای دادم، این را آن رای من چه شد؟ پس از آن فضای انتخابات به سستی رفت که شاهد

انتصاب افراد از طریق انتخابات بودیم.

به‌شود. انتخابات یعنی در ظاهر انتخاباتی انجام می‌دهم و در پشت پرده کسانی که می‌خواستند را به کار

می‌کنند و در این اقدامات نسبتاً خوبی فراهم شد. ولی دیری نپایید که این انتخابات تحت تأثیر یک

دولت متنفذ قرار گرفت و در نهایت انتخابات اتفاق به موضوع شد و کار به جایی رسید که مرحوم مدرس گفتند،

من که به خودم رای دادم، این را آن رای من چه شد؟ پس از آن فضای انتخابات به سستی رفت که شاهد

انتصاب افراد از طریق انتخابات بودیم.

به‌شود. انتخابات یعنی در ظاهر انتخاباتی انجام می‌دهم و در پشت پرده کسانی که می‌خواستند را به کار

می‌کنند و در این اقدامات نسبتاً خوبی فراهم شد. ولی دیری نپایید که این انتخابات تحت تأثیر یک

دولت متنفذ قرار گرفت و در نهایت انتخابات اتفاق به موضوع شد و کار به جایی رسید که مرحوم مدرس گفتند،

من که به خودم رای دادم، این را آن رای من چه شد؟ پس از آن فضای انتخابات به سستی رفت که شاهد

انتصاب افراد از طریق انتخابات بودیم.

به‌شود. انتخابات یعنی در ظاهر انتخاباتی انجام می‌دهم و در پشت پرده کسانی که می‌خواستند را به کار

می‌کنند و در این اقدامات نسبتاً خوبی فراهم شد. ولی دیری نپایید که این انتخابات تحت تأثیر یک

دولت متنفذ قرار گرفت و در نهایت انتخابات اتفاق به موضوع شد و کار به جایی رسید که مرحوم مدرس گفتند،

من که به خودم رای دادم، این را آن رای من چه شد؟ پس از آن فضای انتخابات به سستی رفت که شاهد

انتصاب افراد از طریق انتخابات بودیم.

به‌شود. انتخابات یعنی در ظاهر انتخاباتی انجام می‌دهم و در پشت پرده کسانی که می‌خواستند را به کار

می‌کنند و در این اقدامات نسبتاً خوبی فراهم شد. ولی دیری نپایید که این انتخابات تحت تأثیر یک

دولت متنفذ قرار گرفت و در نهایت انتخابات اتفاق به موضوع شد و کار به جایی رسید که مرحوم مدرس گفتند،

من که به خودم رای دادم، این را آن رای من چه شد؟ پس از آن فضای انتخابات به سستی رفت که شاهد

انتصاب افراد از طریق انتخابات بودیم.

به‌شود. انتخابات یعنی در ظاهر انتخاباتی انجام می‌دهم و در پشت پرده کسانی که می‌خواستند را به کار

می‌کنند و در این اقدامات نسبتاً خوبی فراهم شد. ولی دیری نپایید که این انتخابات تحت تأثیر یک

دولت متنفذ قرار گرفت و در نهایت انتخابات اتفاق به موضوع شد و کار به جایی رسید که مرحوم مدرس گفتند،

من که به خودم رای دادم، این را آن رای من چه شد؟ پس از آن فضای انتخابات به سستی رفت که شاهد

انتصاب افراد از طریق انتخابات بودیم.

به‌شود. انتخابات یعنی در ظاهر انتخاباتی انجام می‌دهم و در پشت پرده کسانی که می‌خواستند را به کار

می‌کنند و در این اقدامات نسبتاً خوبی فراهم شد. ولی دیری نپایید که این انتخابات تحت تأثیر یک

دولت متنفذ قرار گرفت و در نهایت انتخابات اتفاق به موضوع شد و کار به جایی رسید که مرحوم مدرس گفتند،

من که به خودم رای دادم، این را آن رای من چه شد؟ پس از آن فضای انتخابات به سستی رفت که شاهد

انتصاب افراد از طریق انتخابات بودیم.

به‌شود. انتخابات یعنی در ظاهر انتخاباتی انجام می‌دهم و در پشت پرده کسانی که می‌خواستند را به کار

می‌کنند و در این اقدامات نسبتاً خوبی فراهم شد. ولی دیری نپایید که این انتخابات تحت تأثیر یک

دولت متنفذ قرار گرفت و در نهایت انتخابات اتفاق به موضوع شد و کار به جایی رسید که مرحوم مدرس گفتند،

من که به خودم رای دادم، این را آن رای من چه شد؟ پس از آن فضای انتخابات به سستی رفت که شاهد

انتصاب افراد از طریق انتخابات بودیم.

به‌شود. انتخابات یعنی در ظاهر انتخاباتی انجام می‌دهم و در پشت پرده کسانی که می‌خواستند را به کار

می‌کنند و در این اقدامات نسبتاً خوبی فراهم شد. ولی دیری نپایید که این انتخابات تحت تأثیر یک

دولت متنفذ قرار گرفت و در نهایت انتخابات اتفاق به موضوع شد و کار به جایی رسید که مرحوم مدرس گفتند،

من که به خودم رای دادم، این را آن رای من چه شد؟ پس از آن فضای انتخابات به سستی رفت که شاهد

انتصاب افراد از طریق انتخابات بودیم.

به‌شود. انتخابات یعنی در ظاهر انتخاباتی انجام می‌دهم و در پشت پرده کسانی که می‌خواستند را به کار

می‌کنند و در این اقدامات نسبتاً خوبی فراهم شد. ولی دیری نپایید که این انتخابات تحت تأثیر یک

دولت متنفذ قرار گرفت و در نهایت انتخابات اتفاق به موضوع شد و کار به جایی رسید که مرحوم مدرس گفتند،